**وقایع شب قدر**

**1 ـ نزول قرآن:**
ظاهر آيه شريفه «انّا انزلناه في ليلة القدر» اين است كه همه قرآن در شب قدر نازل شده است و چون تعبير به انزال كرده كه ظهور در يكپارچگي و دفعي بودن دارد نه تنزيل كه ظاهر در نزول تدريجي است.

قرآن كريم به دو گونه نازل شده است:
1 ـ نزول يكباره در يك شب معين.
2 ـ نزول تدريجي در طول بيست و سه سال نبوّت پيامبر اكرم(ص).
آياتي چون «قرانا فرقناه لتقرأه علي الناس علي مكث ونزلناه تنزيلا»(11) نزول تدريجي قرآن را بيان مي‏كند.
در نزول دفعي (و يكپارچه)، قرآن كريم كه مركب از سوره‏ها و آيات است يك دفعه نازل نشده است بلكه بصورت اجمال همه قرآن نازل شده است چون آياتي كه درباره وقايع شخصي و حوادث جزيي نازل شده ارتباط كامل با زمان و مكان و اشخاص و احوال خاصه‏اي دارد كه درباره آن اشخاص و آن احوال و در آن زمان و مكان نازل شده و معلوم است كه چنين آياتي درست در نمي‏آيد مگر اينكه زمان و مكانش و واقعه‏اي كه درباره‏اش نازل شده رخ دهد به طوري كه اگر از آن زمان‏ها و مكان‏ها و وقايع خاصه صرف نظر شود و فرض شود كه قرآن يك باره نازل شده، قهرا موارد آن آيات حذف مي‏شود و ديگر بر آنها تطبيق نمي‏كنند، پس قرآن به همين هيئت كه هست دوبار نازل نشده بلكه بين دو نزول قرآن فرق است و فرق آن در اجمال و تفصيل است. همان اجمال و تفصيلي كه در آيه شريفه «كتاب احكمت اياته ثم فصّلت من لدن حكيم خبير»(12) به آن اشاره شده است. و در شب قدر قرآن كريم به صورت اجمال و يكپارچه بر پيامبر اكرم(ص) نازل شد و در طول بيست و سه سال به تفصيل و به تدريج و آيه به آيه نازل گرديد.

**2 ـ تقدير امور:**
خداوند متعال در شب قدر حوادث يك سال آينده را از قبيل مرگ و زندگي، وسعت يا تنگي روزي، سعادت و شقاوت، خير و شرّ، طاعت و معصيت و... تقدير مي‏كند.
در آيه شريفه «انا انزلناه في ليلة القدر»(13) كلمه «قدر» دلالت بر تقدير و اندازه‏گيري دارد و آيه شريفه «فيها يفرق كل امر حكيم»(14) كه در وصف شب قدر نازل شده است بر تقدير دلالت مي‏كند. چون كلمه «فرق» به معناي جدا سازي و مشخص كردن دو چيز از يكديگر است. و فرق هر امر حكيم جز اين معنا ندارد كه آن امر و آن واقعه‏اي كه بايد رخ دهد را با تقدير و اندازه‏گيري مشخص سازند. امور به حسب قضاي الهي داراي دو مرحله‏اند، يكي اجمال و ابهام و ديگري تفصيل. و شب قدر به طوري كه از آيه «فيها يفرق كل امر حكيم» برمي‏آيد شبي است كه امور از مرحله اجمال و ابهام به مرحله فرق و تفصيل بيرون مي‏آيند.

**3 ـ نزول ملائكة و روح:**
بر اساس آيه شريفه «تنزّل الملئكة والروح فيها باذن ربهم من كل امر»(15)، ملائكة و روح در اين شب به اذن پروردگارشان نازل مي‏شوند. مراد از روح آن روحي است كه از عالم امر است و خداي متعال درباره‏اش فرموده است «قل الرّوح من امر ربي»(16). در اين كه مراد از امر چيست؟ بحث‏هاي مفصلي در تفسير شريف الميزان آمده است كه به جهت اختصار مبحث به دو روايت در مورد نزول ملائكة و اينكه روح چيست بسنده مي‏شود.
الف: پيامبر اكرم(ص) فرمود: وقتي شب قدر مي‏شود ملائكه‏اي كه ساكن در «سدرة المنتهي» هستند و جبرئيل يكي از ايشان است نازل مي‏شوند در حالي كه جبرئيل به اتفاق سايرين پرچم‏هايي را به همراه دارند.
يك پرچم بالاي قبر من، و يكي بر بالاي بيت المقدس و پرچمي در مسجد الحرام و پرچمي بر طور سينا نصب مي‏كنند و هيچ مؤمن و مؤمنه‏اي در اين نقاط نمي‏ماند مگر آنكه جبرئيل به او سلام مي‏كند، مگر كسي كه دائم الخمر و يا معتاد به خوردن گوشت خوك و يا زعفران ماليدن به بدن خود باشد(17).
ب: از امام صادق عليه‏السلام در مورد روح سؤال شد. حضرت فرمودند: روح از جبرئيل بزرگتر است و جبرئيل از سنخ ملائكة است و روح از آن سنخ نيست مگر نمي‏بيني خداي تعالي فرموده: «تنزل الملئكة والرّوح» پس معلوم مي‏شود روح غير از ملائكة است(18).

**4 ـ سلام و امنيت:**
قرآن كريم در بيان اين ويژگي شب قدر مي‏فرمايد: «سلام هي حتي مطلع الفجر»(19). كلمه سلام و سلامت به معناي عاري بودن از آفات ظاهري و باطني است. و جمله «سلام هي» اشاره به اين مطلب دارد كه عنايت الهي تعلّق گرفته است به اين كه رحمتش شامل همه آن بندگان بشود كه به سوي او روي مي‏آورند و نيز به اينكه در خصوص شب قدر باب عذابش بسته باشد. به اين معنا كه عذابي جديد نفرستد. و لازمه اين معنا اين است كه در اين شب كيد شيطان‏ها هم مؤثر واقع نشود چنانكه در بعضي از روايات نيز به اين معنا اشاره شده است.
البته بعضي از مفسّرين گفته‏اند: مراد از كلمه «سلام» اين است كه در شب قدر ملائكة از هر مؤمن مشغول به عبادت بگذرند، سلام مي‏دهند.
------------------------------------------
1 ـ دخان / 3 .
2 ـ بقره / 185 .
3 ـ قدر / 1 .
4 ـ ر. ك. مجمع البيان، ج 10، ص519 .
5 ـ ر.ك. تفسير الدر المنثور، ج6 .
6 ـ دخان / 6 .
7 ـ قدر / 4 .
8 ـ بقره / 185 .
9 ـ تفسير البرهان، ج4، ص488، ح26 .
10 ـ فروع كافي، ج4، ص157، ح4.
11 ـ اسراء / 106 .
12 ـ هود / 1.
13 ـ قدر / 1.
14 ـ دخان / 6 .
15 ـ قدر / 4 .
16 ـ اسراء / 85 .
17 ـ مجمع البيان، ج10، ص520 .
18 ـ تفسير برهان، ج4، ص481، ح1.
19 ـ قدر / 5 .